

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره سیزدهم ، شماره چهل و هشتم ، تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

صفحات: ۶۴ - ۵۲

بررسی علل فساد اداری و راه کارهای مقابله با آن

نویسنده:

نجمه شیخ زاده^۱*

چکیده

پدیده فساد اداری، در دنیای امروز و به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یکی از مهم ترین موانع پیشرفت جامعه، مطرح شده است. این پدیده صدمات جبران ناپذیری را بر سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده و مسیر توسعه و پیشرفت را مسدود و محدود می سازد. آنچه در تمامی تعاریف از فساد اداری مشترک می باشد، نوعی هنجارشکنی و تخطی از هنجارهای اخلاقی و قانونی در عملکرد اداری و سازمانی است و از این رو فساد اداری و تعریف آن تابعی از هنجارهای موردقبول در هر جامعه و فرهنگ می باشد. در مبارزه با فساد علاوه بر اصلاحات سازمانی و نهادی، نیاز به مجموعه ای عمیق و اصیل از ارزش های اخلاقی است. در این مقاله که به صورت مروری گردآوری شده است سعی گردیده با بازشناسی مفهوم فساد اداری، علل و انگیزه های بروز این پدیده و پیامدها و راه های کنترل آن موردبحث قرار گیرد.

کلید واژه ها : فساد، فساد اداری، نظام اداری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

هیچ انسانی ذاتاً متخلف و مجرم آفریده نمی شود. شرایط نامتعادل اجتماعی و اقتصادی ایجاد فساد می کند. تردیدی نیست وقتی در جامعه ای تأمین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امید به داشتن آینده ای روشن برای افراد جامعه وجود ندارد، به جای تأمین اجتماعی، خود تأمینی پدید می آید. در کنار خود تأمینی، انگیزه های مختلف، افراد حزب ها و گروه ها را تشویق می کند تا با فساد دیدی خوش باورانه و مثبت بنگرند. (صالحی، ۱۳۹۹). پدیده فساد اداری، در دنیای امروز و به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به عنوان یکی از مهم ترین موانع پیشرفت جامعه، مطرح شده است. این پدیده صدمات جبران ناپذیری را بر سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده و مسیر توسعه و پیشرفت را مسدود و محدود می سازد. حکومت ها و دولت ها از قرن ها پیش با مشکل سوءاستفاده کارگزاران دولتی روبه رو بوده اند. در متون باستانی نیز اشاره های متعددی به این پدیده شده است، که نشان می دهد، حکومت ها همیشه نگران سوءاستفاده شخصی صاحب منصبان و کارگزاران دولتی از موقعیت و امتیازات شغلی بوده اند. دگرگونی های سیاسی، وجود نهادهای دموکراتیک و آزادی مطبوعات در دو قرن اخیر در کشورهای غربی و سایر نقاط جهان، دولت ها را مجبور کرده است نسبت به اقدامات و عملکرد خود به مردم جواب گو باشند. در نتیجه این تحولات، تخلفات اداری از حساسیت بسیار بالایی برخوردار شده و دولت ها به خاطر حفظ مشروعیت سیاسی ناچارند به این مسأله توجه کنند. جرایمی نظیر اختلاس، ارتشاء و جعل جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه خود دولت ها دارند (شلالوند، ۱۳۷۷). فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت های نادرست برای دست یابی به درآمدهای سهل الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می کند. (عباس زادگان، ۱۳۸۳). در هر صورت فساد موجب انحطاط است. امروزه بسیاری از ممالک دریافته اند که فساد و تخلف اداری یکی از مهم ترین تهدیدها در جهت ثبات اقتصادی، توسعه و پیشرفت است. نظام اداری ما نیز مدت هاست از بیماری فساد و تخلفات اداری رنج می برد. برای حذف یا کاهش این پدیده شوم در نظام اداری کشور، نیازمند برنامه هایی هستیم تا بدین وسیله به تجزیه و تحلیل مسایل پرداخته و ضمن ارزیابی راه های گوناگون، راهبرد بهینه را انتخاب و به مرحله اجرا درآوریم. بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکار ناپذیر است. در این مقاله نگارنده سعی به بررسی مفهوم فساد اداری، انواع فساد اداری، علل ایجاد و آثار فساد اداری بپردازد.

مبانی نظری :

تعریف فساد و انواع آن

تعاریف فساد بر مبنای منفعت عامه، بدنبال غلبه بر نقصان ها و کاستی های تعاریف مبتنی بر اداره عمومی بوده و فساد را چیزی متضاد با منفعت عموم جامعه می دانند . برجسته ترین تعریف فساد از این منظر، به کارل فردریش^۱ (۱۹۷۲)، باز می گردد:

می توان گفت انگاره فساد آنجا که مسئول انجام چیزهای خاص با توزیع پاداش های مالی و سایر موارد غیرقانونی مواجه گردد و بدین وسیله، منفعت باج دهنده و منفعت خود را دنبال کرده و به عموم و منافع آن آسیب برساند، وجود دارد.

هیدن هایمر، فساد اداری را به سه گروه سیاه، خاکستری و سفید تقسیم می کند(به نقل از مأخذ ، کولیر^۲، ۲۰۰۲). منظور از فساد اداری سیاه، کارهایی است که از نظر توده ها و نخبگان سیاسی منفور بوده و عامل آن با ید و حتماً تنبیه و مجازات شود . فساد اداری خاکستری، مترادف کارهایی است که از نظر اکثر نخبگان سیاسی منفور است؛ لیکن توده های مردم در مورد آن بی تفاوت هستند . برای مثال، کوتاهی کارمندان در اجرای قوانینی که میان مردم از محبوبیت چندانی بر خوردار نبوده و افرادی به غیر از نخبگان سیاسی به مفید بودن آنها معتقد نیستند، فساد از نوع خاکستری تلقی می شود .نهایتاً، فساد اداری سفید برابر با کارهای ظاهراً خلاف قانون است؛ اما اکثر اعضای جامعه (اعم از نخبگان سیاسی و توده مردم) آن را آن قدر مضر و با اهمیت نمی دانند که خواستار تنبیه و مجازات عامل آن باشند . به عنوان مثال، می توان به چشم پوشی از موارد نقص مقرراتی اشاره کرد که در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی ضرورت خود را از دست داده اند(فرج پور، ۱۳۸۳).

مسئله فساد، در تمام ادوار گریبانگیر دولت ها و دغدغه فکری بسیاری از دانشمندان و متفکران سیاسی بوده است، ۲۰۰۰ سال پیش «کوتی لیا^۳» وزیر اعظم یک شاه هندو در کتاب خود به معضل فساد پرداخته است .«ابن خلدون» دانشمند برجسته مسلمان نیز به فساد اداری توجه داشته است و علت اصلی آن را علاقه شدید طبقات حاکم به زندگی همراه با تجمل عنوان می کند .به نظر وی، هزینه بالای تجملات، طبقات حاکم را وادار میکند که به فساد اداری متوسل شوند(تانزی^۴، ۲۰۱۰).

۱-Friedrich, C

۲-Collier, M

۳-Kotilya

۴-Tanezi

فساد امری نسبی است و در حقیقت با نظام ارزش های یک جامعه ارتباط پیدا می کند. اطلاق فساد به رفتار خاص با ارزش های فرهنگی و اجتماعی و درجه تحمل جامعه ارتباط می یابد و یک فرد زمانی فاسد خوانده می شود که رفتارش از رفتار عادی و مورد قبول جامعه مطبوعش منحرف شده باشد (زاهدی، ۱۳۸۷).

تعریف قانونی فساد اداری: استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری/دولتی برای نفع شخصی؛ چنین تعریفی زمانی جامعیت می یابد که قوانین اداری کامل، واضح، عادلانه و فراگیر باشد (تئوبلد^۱، ۱۹۹۰).

تعریف فساد اداری بر مبنای افکار عمومی جامعه: اقدامی که از دید مردم یک جامعه غیراخلاقی و مضر باشد.

تعریف فساد اداری بر اساس منافع عمومی: آن گروه از اقدامات کارکنان و مسؤولان دولت که به منافع عمومی لطمه می زند. سه انگیزه اصلی برای یک کارمند به هنگام مشارکت در فساد وجود دارد:

۱- نفع شخصی مستقیم؛

۲- دریافت رشوه نقدی و یا غیر نقدی از شخص ثالث؛

۳- کمک به دوستان و خویشاوندان (حبیبی، ۱۳۷۵).

تعاریف نوعی از فساد اغلب در بردارنده سه طبقه است که با هم همپوشانی دارند.

سوءاستفاده از پول یا پاداش برای منفعت شخصی؛

تبادل نامناسب پول یا پاداش برای نفوذ یا قدرت نابه جا؛

تخلف از مصالح عمومی یا هنجارهای رفتار (ورلین^۲، ۲۰۰۵).

در یک تقسیم بندی دیگر فساد اداری به سه دسته عمده تقسیم می گردد:

۱- فساد تصادفی و فساد نظام مند: فساد نظام مند در جامعه رایج است و به شکل قانده مند درمی آید، احتمال کشف و مجازات مجرم کاهش و انگیزه فساد کاهش می یابد؛ زیرا برخلاف حالت اتفافی طرفین تمایلی به گزارش کردن خلاف ندارند در این حالت نهادها و ضوابط رفتاری با الگوهای غارتگری دیوان سالاری تطابق می یابد مانند: رواج رشوه.

^۱ Theobald

^۲ Werlin

۲- فساد سازمان یافته و فساد فردی :در فساد سازمان یافته سرمایه گذاران می دانند به چه کسانی رشوه دهند و در قبال چه چیزی رشوه به دست آورند. در فساد فردی باید به چند تن مقام رسمی رشوه دهند و صفاتی هم نیست که با تقاضای رشوه بیشتری روبه رو نشوند. فساد سازمان یافته در واقع پدیده ای سیاسی است؛ یعنی کسانی که در مواضع قدرت هستند از دولت و قدرت برای انتقال منافع و عواید نامشروع به خود و وابستگان استفاده می کنند.

۳- فساد کلان و فساد خرد : فساد روسای دولت، وزیران و کارمندان عالی رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان جزء را فساد خرد می گویند. کنترل فساد کلان مقدم بر خرد است. البته بدون تردید فساد اداری همیشه با اعمال غیرقانونی تجلی نمی یابد. چه بسا تصمیماتی که در جهت انجام وظایف قانونی صورت می گیرد، در مقطعی باشد که منافع آن شامل افراد خاصی گردد. به همین جهت در کنار مصادیق فساد اداری مثل اختلاس، ارتشاء، سوءاستفاده از اموال و امکانات دولتی، کم کاری، تبعیض و تسریع کار دوستان و آشنایان و... (فساد اداری غیرقانونی)، مصادیقی از جمله وضع قوانین تبعیض آمیز به نفع سیاستمداران قدرتمند و طبقات مورد لطف دولت و بخشیدن انحصارات دولتی به افراد خاص (فساد اداری قانونی) را می توان مورد اشاره قرار داد (بخارایی، ۱۳۹۳، ۲).

در سال های اخیر موضوع فساد، به دلیل اثرات زیانباری که بر توسعه اقتصادی کشورها داشته است، به یکی از موضوعات مهم و البته یکی از دغدغه های اصلی کشورها در فرایند توسعه یافتگی تبدیل شده است. بر این اساس اکثر کشورها به دنبال تدوین برنامه ای جامع برای کنترل فساد اقتصادی و اداری بوده اند. غالباً در نتیجه فساد چیزی نقض می شود. این چیز ممکن است یک اصل، روبه یا شیوه اخلاقی یا قانونی یا مقررات اداری باشد. اگرچه تعاریف مختلف و زیادی از فساد ارائه شده است اما وجه مشترک تمام این تعاریف آن است که در محیط فاسد، حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نادیده گرفته می شود و یا حق مسلم فرد یا گروهی به آسانی پایمال یا به نا حق به دیگری یا به دیگران واگذار می گردد. بانک جهانی، فساد اداری را « سوءاستفاده از قدرت و اختیارات دولت به منظور تأمین منافع شخصی» تعریف نموده است. فساد اداری؛ سوء استفاده از موقعیت و جایگاه شغلی و اداری برای مقاصد غیر از خواستگاه اصلی و قانونی برای منفعت شخصی یا گروهی را فساد اداری یا شغلی می نامند. با بررسی تعاریف موجود در زمینه فساد اداری می توان به این نتیجه رسید که در همه تعاریف، فساد یک نقل و انتقال منافع بین بخش دولتی و خصوصی است که طی آن منافع عمومی به سمت منافع خصوصی سوق می یابد (فرج پور، ۱۳۸۳).

دلایل فساد

تعدادی از یافته های تحقیقات اولیه نشان می دهد که فساد به سطح رشد اقتصادی و هم چنین سیستم قانونی و حکومتی کشور مرتبط است (دیوید ان جی^۱، ۲۰۰۶). تحلیل گره های نهادی ادعا کردند که میراث قانون مستعمراتی یک عامل برجسته در توضیح تنوع موجود در شدت و رواج اشکال معاصر فساد در آفریقا، آسیا، و آمریکای لاتین است. عده ای دیگر ادعا می کنند که علت اصلی فساد ریشه در نفوذ تاریخی دولت در اقتصاد و امور سیاسی دارد. شرایطی که فرصت رانت خواری را به وجود آورد و توانایی شهروندان را در پاسخ گو نگه داشتن سیاستمداران و مقامات دولتی نسبت به اعمالشان کاهش دهد، فساد را افزایش می دهد (رابینسون^۲، ۲۰۰۴). مداخله دولت در اقتصاد نیز از علل ایجاد فساد پنداشته می شود. در جایی که دولت سیاست های صنعتی تبعیض آمیز، کنترل قیمت ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه های ، ارزی و موارد دیگر را انجام می دهد، زمینه های بروز فساد پیدا می شود (میلر^۳، ۲۰۰۶).

بر اساس تحقیقی که سازمان شفافیت بین المللی انجام داده ، ۶۰ درصد مصاحبه شوندگان دلیل اصلی فساد مالی در کشورهای در حال توسعه را حقوق بسیار پایین کارمندان دولت می دانند. اغلب در این گونه نظام های اداری کارها بدون پرداخت رشوه پیش نمی رود (بانک جهانی، ۲۰۰۷).

قواعد و مقرراتی که سبب طولانی شدن فرایند انجام کار در سازمان ها می شود، زمینه بروز فساد را بیش تر می کند. این قوانین هم تقاضا برای فساد ایجاد می کند (مردم مایل هستند هر چه زودتر از دست این قوانین خلاص شوند) و هم مشوق هایی برای عرضه فراهم می آورد؛ زیرا کارکنان می توانند با استناد به این مقررات مانع از انجام امور ، و سبب ایجاد تمایل به پرداخت رشوه شوند (اولکان^۴، ۲۰۰۷).

با بررسی محققان و پژوهشگران می توان به موارد ذیل به عنوان دلایل بروز فساد اداری نیز اشاره کرد:

عوامل درون سازمانی مسائل رفتاری: متأثر از ناهنجاری های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... کارکنان تحت سرپرستی و نیز ناتوانی مدیران در تأمین نیازهای پرسنلی و رفع موانع رفتاری آنان،

^۱-David Ng

^۲- Robbinson

^۳-Miller

^۴- Olken

امور ساختاری و سازمانی: مثل عدم تناسب امکانات پرسنلی، مالی و اعتباری با اهداف و فعالیتهای سازمان که ناشی از محدودیت در منابع انسانی و مالی یا ضعف سیستم های کنترل داخلی و

عوامل برون سازمانی: نیازها، انتظارات متقن و غیرمتقن اشخاص حقیقی و حقوقی مختلف دارای نفوذ در مردم، مشکلات وضعی و اجرایی قوانین و مقررات مورد عمل، عدم تناسب قوانین و مقررات با نیازها و اقتضائات جامعه، تغییرات و تحولات قوانین و بعضاً تعارض آنها با یکدیگر. همچنین وجود ابهام یا اجمال در نصوص برخی از قوانین و مقررات و قابلیت تعبیر و تفسیر متعدد از آنها و عدم انطباق دستورالعمل ها و آیین نامه های مدون با مفاد قوانین مربوط، مسائل و مشکلات مربوط به جذب، آموزش و نگهداری افراد متخصص و کارآمد، عملکرد مدیران قبلی و تأثیرگذاری آن بر عملکرد جاری دستگاه اجرایی.

مبانی نظری و پژوهشی:

با بررسی تعاریف موجود در زمینه فساد اداری می توان به این نتیجه رسید که در همه تعاریف، فساد یک نقل و انتقال منافع بین بخش دولتی و خصوصی است که طی آن منافع عمومی به سمت منافع خصوصی سوق می یابد. فساد در نظام اداری از عوامل مختلفی نشات می گیرد:

از نظر تانزی^۱ (۱۹۹۸)، عوامل مؤثر بر فساد اداری در بخش دولتی به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می شوند:

الف) عوامل مستقیم: عواملی که به طور مستقیم دولت ها در آن نقش دارند، عبارتند از: مقررات و اختیارات دولت، مقررات مالیاتی، تصمیم گیری هایی مربوط به مخارج دولت، عرضه کالا و خدمات در زیر قیمت های بازار و تصمیم هایی که در جهت مصلحت و تأمین مالی احزاب باشد.

ب) عوامل غیرمستقیم: شامل کیفیت بوروکراسی، سطح دستمزدهای بخش عمومی، نظام مجازات، کنترل های نهادی، شفافیت قواعد، قوانین و فرایندها و الگوی رفتار رهبران می باشند (تانزی، ۱۹۹۸).

رودریگیوز^۲ و همکارانش معتقدند که فساد در همه جا وجود دارد ولی نوع فساد و عوامل مؤثر بر آن در همه جا یکسان نیست (رودریگیوز، ۲۰۰۵).

^۱-Tanzi

^۲-Rodriguez

یکی دیگر از عوامل فساد در کشورهای توسعه نیافته، وجود نیروهایی با تحصیلات و توانایی پایین است. بدیهی است هرچه حضور افراد متخصص، تحصیل کرده و صاحب حرفه در ساختار اداری بیشتر باشد امکان تحول اداری از وضعیت سنتی به مدرن بیشتر می شود، در غیر این صورت در فضای سنتی و ناکارآمد و غیر شفاف اداری زمینه های بروز فساد بیشتر خواهد بود (محمودی، ۱۳۸۲).

فساد پدیده ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد. اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است، همان طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه یافتگی تفاوت دارد. اما در هر صورت فساد موجب انحطاط است، سیاست های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می دهد، باعث هدر رفتن منابع ملی می شود و به کاهش اثربخشی دولت ها در هدایت امور می انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه های دولتی و غیر دولتی کاهش یافته، بی تفاوتی و تنبلی و بی کفایتی افزایش می یابد (عباس زادگان، ۱۳۸۹).

فساد باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی برای دولت ها شده است که عبارتند از:

مشروعیت اخلاقی دولت ها را زیر سؤال می برد.

درآمدهای مالیاتی دولت را کاهش می دهد.

باعث اتلاف منابع محدود اقتصادی شده و هزینه های هنگفتی بر جامعه تحمیل می کند.

بررسی مو^۱ (۲۰۰۱)، در مورد ارتباط میان فساد و رشد اقتصادی نیز نشان می دهد هر یک درصد افزایش در سطح فساد، رشد اقتصادی را حدود ۰/۷۲ درصد کاهش خواهد داد. بررسی اثر فساد بر سرمایه گذاری خارجی مستقیم نیز فساد را به عنوان عاملی بازدارنده و ترساننده برای سرمایه گذاران خارجی معرفی کرده است (درابک و پاینه^۲، ۱۹۹۹).

مرهوبی^۳ (۲۰۰۰)، نیز رابطه مثبتی میان تورم و فساد یافت. همان گونه که نتایج تحقیقات نشان می دهد، بسیاری از محققان اثر فساد را بر انواع متغیرهای اقتصادی کلان مورد بررسی قرار داده اند و بیانگر هزینه هنگفت اقتصادی فساد می باشند. ولی مطالعات تجربی اندکی در زمینه بررسی رابطه میان فساد و توسعه انسانی انجام شده است. در این میان می توان به تحقیقات گزلباش (۲۰۰۱)، و

^۱-Mo

^۲-Drabek Z, Payne W

^۳- Marhubi

آختر^۱ (۲۰۰۴)، اشاره کرد. آختر در تحقیق خود این گونه نتیجه گیری کرده است که افزایش جهانی سازی اقتصاد، سطح آزادی اقتصادی را افزایش و سطح فساد اداری را کاهش خواهد داد و در نهایت موجب بهبود توسعه انسانی می گردد.

دانایی فرد (۱۳۸۳)، در مقاله خود فساد اداری را مورد بررسی قرار داده است. وی این سؤال را مطرح می کند که آیا فناوری اطلاعات فساد اداری را کاهش می دهد؟ این پژوهش با ارائه چند مثال به نقد این سؤال پرداخته است، و استدلال می کند که فناوری اطلاعات نه تنها اثر قابل ملاحظه ای بر مدیریت فساد ندارد، بلکه در برخی موارد خود فرصت های جدیدی را برای فساد ایجاد می کند.

خلف خانی (۱۳۸۸)، در پژوهشی رابطه بین سرمایه های اجتماعی و فساد اداری را مورد تأکید قرار داده است. وی فساد اداری را به عنوان متغیر وابسته و پنج متغیر دیگر شامل ساختار اقتصادی، ساختار سیاسی، ساختار فرهنگی، ساختار ایدئولوژیک و ساختار قانونی را به عنوان متغیر مستقل معرفی می کند. و در این پژوهش به دنبال این سؤال است که کدام یک از پنج متغیر مستقل فوق بیشترین تأثیر را بر کاهش فساد اداری دارند. نتایج و تحلیل های آماری این پژوهش نشان دادند که ضوابط و نحوه اجرای قوانین از سوی مسئولین و افراد جامعه، که تحت عنوان رویه های قانونی از آن نام برده شده است، بیشترین تأثیر را بر کاهش فساد اداری دارد.

گرچه اندیشمندان در زمینه جنبه های مختلف فساد و آثار آنها توافق چندانی ندارند، لیکن همه آن ها بر این نکته تأکید دارند که فساد ناشی از حکمرانی ضعیف است. بنابراین بانک جهانی، فساد را بعنوان سوء استفاده از اداره عمومی بر ای منافع شخصی تعریف کرده است (به نقل از علیزاده ثانی و فانی، ۱۳۸۶). البته این بدان معنی نیست که فساد به بخش دولتی محدود می شود، بلکه بیانگر این است که فساد در بخش دولتی و خامتش بیشتر از سایر بخش ها است و تلاش های بین المللی باید بر اجرای استاندارد های بالای پاسخ گوئی و درست کاری بخش دولتی باشد.

عباس زادگان (۱۳۹۴)، در کتاب خود با عنوان فساد اداری یادآور می شود که شیوع فساد در جامعه مسیر بسیاری از پیشرفت های اجتماعی و ملی را بسته و هزینه های هنگفتی را بر دوش کشور و در نهایت مردم گذاشته است که یکی از مهمترین آنها در بعد کالن افزایش فاصله طبقاتی است و احساس عدم وجود عدالت اجتماعی در ذهنیات افراد که موجب کاهش اعتقاد به نظام اجتماعی و کنترل روانی افراد بر روی رفتار خود می شود. فساد منجر به هدر رفتن سرمایه گذاری های انجام شده روی منابع انسانی، کمرنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش های منفی در سازمان است. بنابراین تأکید کشورهای مختلف بر سه رکن اصلی پیشگیری از فساد شامل آموزش کارکنان، انتخاب

^۱- Akhter HS.

افراد بر اساس شایستگی و بالاخره اصلاح نظام های عملیاتی می باشد و این موضوع باعث شده است که مبارزه با فساد شکل اصولی و علمی داشته باشد .

راه کارهای مبارزه با فساد اداری نیز متنوع و بر مبنای صورت بندی های اجتماعی و سیاسی حاکم در نظام ها متفاوت هستند . این ابتکارات را می توان شامل مجموعه ای تدابیر چون بالا بردن پاسخگویی در کارگزاران اداری، محدود کردن تماس مردم با کارگزاران، شفاف سازی قوانین، رفع ابهامات در قوانین، تمرکز زدایی اداری و نهادی، کوچک سازی دولت و ... برشمرد. (خلف خانی، ۱۳۸۸).

بحث و نتیجه گیری

مبارزه با فساد اداری مبارزه اثربخش با فساد مستلزم به کارگیری استراتژی هایی است که دارای ماهیتی جامع بوده و به گونه ای موفقیت آمیز قادر به ادغام اصلاحات در حیطه ای گسترده از ساختار های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی یک جامعه باشند (به نقل از علیزاده ثانی و فانی، ۱۳۸۶). در مبارزه با فساد علاوه بر اصلاحات سازمانی و نهادی، نیاز به مجموعه ای عمیق و اصیل از ارزش های اخلاقی است. فرهنگ فن آوری امروزی به مصرف و تصاحب کالاها، بیش از حد معقول بها می دهد. اعتبار و کام یابی اشخاص بر پایه ثروت و نه بر اساس نقش اجتماعی سنجیده می شود. بنابراین فرهنگی که فقط در پی تکاثر ثروت باشد برای رشد علف هرز فساد، بستر مناسبی است و این امر تمدن را به سوی بحران اخلاقی می کشاند که فقط به یاری تعلیم و تربیت و باورهای اخلاقی و دینی می توان از آن نجات یافت (فرج پور، ۱۳۸۳).

نتایج تحقیقات علاوه بر رد ادعای طرفداران مکتب کارآمد فساد اداری، نشان داد که این پدیده در سطح جهانی، به ویژه برای جوامع در حال توسعه، مانع عمده ای بر سر راه توسعه انسانی جوامع می باشد، به گونه ای که همبستگی منفی بالا میان فساد اداری با متغیر های مهم توسعه انسانی همچون دموکراسی، تولید ناخالص داخلی، سطح سواد و بهداشت در جامعه، مؤیدی بر این استدلال می باشد. از سوی دیگر گرایش های معاصر بخش دولتی به رویکردها و ارزش های بازار مدار، نوید دهنده چالش مهمی در زمینه فساد در این بخش می باشد. بنابراین سیاستگذاران و مدیران بخش دولتی باید با رویکردی استراتژیک، و نه انفعالی، به این چالش پاسخ دهند. با توجه به مبانی ارزشی رویکرد های بازار مدار، همچون نظریه انتخاب عمومی، که بر مکتب هایی مانند لذت گرایی، عمل گرایی و فایده گرایی تکیه دارند، لذا علاوه بر توجه به اصلاحات سازمانی و نهادی، مهم ترین راهکار مبارزه با این معضل، بهره گیری از مجموعه ای عمیق و اصیل از ارزش های اخلاقی می باشد که امروزه تحت عنوان چارچوب (منشورکده های اخلاقی) و قوانین رفتار حرف های مشاغل پا به درون سازمان ها نهاده است. به ویژه اگر این منشورها در بستر یک نظام ارزشی و اعتقادی یکپارچه، مانند

ارزش های اسلامی، تدوین گردند همچون چتری فراگیر همه مصالح عمومی و حکومتی، سازمانی و شخصی را در بر گرفته و نوعی وحدت، انسجام و هماهنگی میان این عوامل برقرار می نماید و هیچ گونه ناسازگاری و تعارضی در منشور اخلاقیات سازمانی بروز نمی کند.

در پایان به چالش های پیش رو و پیشنهادهای برای رفع آن ها اشاره می گردد:

عامل فردی (تناسب شخصیت با شغل کارکنان): تطبیق شرایط لازم برای انجام یک کار و ویژگی های شخصیتی منجر به رضایت شغلی کارکنان می شود. (ساعتچی، ۱۳۸۲).

عوامل درون سازمانی (شفافیت): ظهور شفافیت کمک می کند تا حس اعتماد بیش تری به دولت پدید آید. در بسیاری از کشورها با نبود شفافیت در قوانین و مقررات و روند دادرسی، زمینه های مساعدی برای فساد اداری فراهم شده است.

مکانیزم نظم و انضباط در سازمان: بدیهی است که سازمان و مدیریت نمی تواند در برابر رفتارهایی مانند کم کاری های آشکار و پنهان، تخلف و فساد، مراعات نکردن قوانین و مقررات ایمنی و سایر رفتارهای نامطلوب، بی اعتنا بمانند، بنابراین ناگزیرند برای رفع آنها اقدامات و مکانیزم های انضباطی به عمل آورند (ابطحی، ۱۳۸۵). بنابراین می توان نتیجه گرفت که اعمال مکانیزم های نظم و انضباط می تواند بر میزان فساد اداری تأثیر گذار باشد و از میزان آن بکاهد.

عوامل برون سازمانی (توسعه مشارکت مردم در مبارزه با فساد اداری): ذکر این نکته با اهمیت است که فساد در نظام اداری و ساختار دولتی هر کشور ریشه دوانده و بروز پیدا می کند. بنابراین اصلاح چنین فساداتی وقتی میسر است که از بیرون آن، یعنی جامعه و مردم توان نظارت بر کارگزاران این مجموعه و نیز تغییر آنان وجود داشته باشد.

اخلاق:

در حالی که اخلاقیات و ملزومات اخلاقی زمینه رشد، توسعه و افزایش ارزش ها در درازمدت را فراهم می سازد، فساد و تخلف می تواند به حداقل کردن ارزش ها در درازمدت منتهی گردد. ذکر این نکته حایز اهمیت است که هنجارهای اخلاقی به وسیله فرهنگ، فن آوری و مذهب متأثر می گردد؛ که این مورد در دین مبین اسلام به جد مورد تأکید واقع شده است.

اختیار و مسؤولیت (پاسخ گویی)، ایمنی و بهداشت روانی محیط کار و مشارکت کارکنان در تصمیم گیری از دیگر پیشنهادهای می باشد که در پژوهش های مختلف بدان اشاره شده و تأثیر آن سنجدیده شده است.

منابع و مواخذ

فارسی

- صالحی، مصطفی، (۱۳۹۹). عوامل بروز فساد اداری از دیدگاه اسلام، فصلنامه قانون یار، دوره ۴، شماره ۱۴.
- شلالوند، عبدالعلی. (۱۳۷۷). اختلاس و فساد اداری - آفت توسعه. مجلس و پژوهش، (۲۵).
- خلف خانی، م (۱۳۸۸). آسب شناسی اجتماعی فساد اداری. تهران: نشر دفتر گسترش تولید. علم، چاپ اول، ص ۱۱.
- دانایی فرد، ج (۱۳۸۳). استراتژی مبارزه با فساد: آیا فناوری اطلاعات فساد اداری را کاهش - ۱۱۷. میدهد؟ مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، ص ۱۰۱.
- حبیبی، نادر (۱۳۷۵) فساد اداری. انتشارات وثقی.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۸۲). روان شناسی بهره‌وری) ابعاد کاربردی روان شناسی کار و روان شناسی صنعتی - سازمانی (چاپ چهارم، تهران: مؤسسه نشر و ویرایش.
- شلالوند، عبدالعلی. (۱۳۸۶) اختلاس و فساد اداری، آفت توسعه) تأملی ریشه نگر در موج جهانی مبارزه با فساد و اختلاس. نشریه مجلس و پژوهش
- علیزاده ثانی، محسن و فانی، علی اصغر (۱۳۸۶)، تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع، فصلنامه ی اخلاق در علوم و فن آوری، سال دوم، شماره ۱ و ۲.
- عباس زادگان، م. (۱۳۸۹). فساد اداری. تهران: انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ دوم، - ۱۰۰. ص ۷۹.
- عباس زادگان سیدمحمد (۱۳۸۴). "مدیریت بر سازمان های ناآرام"، تهران: نشر کویر
- عباس زادگان، محمد (۱۳۹۴)، فساد اداری، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- محمودی، وحید (۱۳۸۲)، «فساد اقتصادی و توسعه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره، ۹۰، ۱۹۰.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۵). نگرشی بر فساد و آثار آن، مجله دانش مدیریت. تهران: دانشگاه تهران.
- بخارایی، احمد (۱۳۹۳)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران، پژوهاک جامعه.
- فرج پور، مجید (۱۳۸۳)، فقر، فساد و تبعیض موانع توسعه در ایران، رسا.
- Akhter HS. (۲۰۰۴). Is Globalization What It's Cracked Up to Be? Economic Freedom, Corruption, and Human Development. Journal of World Business; ۳۹: ۲۸۳-۹۵
- Collier, M (۲۰۰۲). "Explaining Corruption: an Institutional Choice Approach". Crime, Law & Social Change, ۳۸: pp. ۱-۳۲.
- Friedrich, C (۱۹۷۲). "The Pathology of Politics", Harper & Row, NY.

Tanzi, V.(۲۰۱۰), Corruption Around the World: Cases,Consequences,Scope and Cures .New York: pp.۱۳۷-۱۵۰.

Theobald, R. (۱۹۹۰). Corruption, Development and Underdevelopment.Durham, NC: Daka U. press.

Werlin (۲۰۰۵). Corruption and Foreign Aid in Africa. published byElsevier limited on behalf of Foreign Policy Research Institute.

Ng, D. (۲۰۰۶). The impact of corruption on financial markets.Managerial Finance, ۳۲(۱۰), ۸۲۲-۸۳۶.

Rodriguez , P. Uhlynbrk, K, andEdema L, (۲۰۰۵). " Government corruption and the Entry strategies of multinationals",Academy of management review, VOL, ۳۰,No۲. PP. ۳۸۳-۳۸۶

Robbinson, M. (Ed.) (۲۰۰۴). Corruption and Development: An Introduction.London: Routledge

Tanzi, V (۱۹۹۸). "Corruption Around the World: Causes, Consequences,Scope, and Cases", IMF-Staff Papers, ۴۵(۴).

Drabek Z, Payne W.(۱۹۹۹)The Impact of Transparency on Foreign Direct Investment, Staff Working Paper;World Trade Organization, Economic ,Research and Analysis Division

Marhubi FA(۲۰۰۰). Corruption and Inflation, Economics Letters; ۶۶: ۱۹۹-۲۰۲.

World Bank (۲۰۰۷). Worldwide Governance Indicators ۲۰۰۷: Country DataReport for Iran, ۱۹۹۶- ۲۰۰۶. www.worldbank.org/wbi/governance/.

Miller, W. L. (۲۰۰۶). Corrup□on and Corrup□ibility. World Development, ۲,۲۸. Olken, B. (۲۰۰۷). Monitoring Corrup□on: Evidence from a Field Experimentin Indonesia. Journal of Political Economy, ۱۱۵(۲).

Qizilbash M(۲۰۰۱). Corruption and Human Development: A Conceptual Discussion, Oxford Development Studies;۲۹(۳): ۲۶۵-۲۷۸.

Okogbule , N. S. (۲۰۰۶),"An appraisal of the legal and institutional frame work for combating corruption in Nigeria", Journal ofFinancial Crime,Vol. ۱۳ NO. ۱,pp. ۹۲-۱۰۶

Streeten P, (۱۹۹۴)Human development: Means and ends, The American Economic Review; ۸۴(۲).

Mo P H, (۲۰۰۱)Corruption and Economic Growth, Journal of Comparative Economics; ۲۹: ۶۶-۷۹.